

[View the original article](#)

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ آیا همسایگان ایران باز هم برای توقف جنگ تلاش می‌کنند؟

محمد ضرغامی

۱۴۰۵/آبان/۰۴



حضور عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، خالد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان سعودی، و ابراهیم کالین، رئیس سازمان اطلاعات ترکیه، در دیدار با مقام‌های جمهوری اسلامی در تهران؛ ۴ آبان ۱۴۰۵

در دو جنگ اخیر، ایران با هدف قرار دادن زیرساخت‌های راهبردی و تهدید مسیرهای حیاتی منطقه، اهرم فشاری بر کشورهای همسایه و اقتصاد جهانی ایجاد کرد؛ اهرمی که همسایگان را به تلاش برای مهار جنگ واداشت. اما پس از پایان جنگ ۴۰ روزه، نشانه‌های تغییر در مواضع منطقه‌ای آشکار شده است.

اکنون، با افزایش تهدیدهای تهران و احتمال ازسرگیری درگیری، پرسش این است که کشورهای منطقه در جنگ احتمالی بعدی چه موضعی خواهند گرفت؛ برای توقف آن تلاش می‌کنند، نظاره‌گر می‌مانند یا در برابر ایران قرار می‌گیرند؟

در برنامهٔ رادیویی «پاراگراف اول»، علی معموری استاد پیشین علوم سیاسی دانشگاه سیدنی و پژوهشگر در دانشگاه دیکن استرالیا و حسام دست‌پیش، کارشناس روابط بین‌الملل و استاد پیشین علوم سیاسی دانشگاه صلاح‌الدین اربیل ساکن بروکسل، به این پرسش پاسخ داده‌اند.



📌 [لینک مستقیم](#) ✓

↗ [بازکردن در پنجره جدید](#)

نگرانی کشورهای منطقه از گسترش جنگ

علی معموری معتقد است که کشورهای منطقه در تصمیم‌گیری برای جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران نقشی نداشتند، اما با پیامدهای آن روبه‌رو شدند. به گفته او، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرده بود که حتی بدون رضایت این کشورها از پایگاه‌های آمریکا در خاک آن‌ها استفاده خواهد شد. حمله‌های ایران و احتمال گسترش جنگ به زیرساخت‌های منطقه، نگرانی همسایگان را افزایش داده است.

معموری با اشاره به جنگ یمن و عربستان می‌گوید که توان انصارالله با ظرفیت نظامی ایران قابل مقایسه نیست و گسترش درگیری می‌تواند فرودگاه‌ها، خطوط انتقال نفت و تأسیسات آرامکو را به خطر بیندازد. او پیمان مکه و همکاری با کشورهای چوچون پاکستان و ترکیه را راهی برای کاهش وابستگی امنیتی به آمریکا می‌داند.

آیا توازن قدرت منطقه‌ای به سود اسرائیل تغییر کرده است؟

حسام دست‌پیش معتقد است که نگرانی کشورهای منطقه فراتر از پیامدهای جنگ است.

به گفته او، آن‌ها درباره ادامه همکاری با جمهوری اسلامی تردید دارند و حتی در صورت تغییر نظام سیاسی ایران، این پرسش باقی می‌ماند که آیا باید اجازه داد ایران با ظرفیت‌های جغرافیایی و اقتصادی خود به قدرتی منطقه‌ای تبدیل شود. آقای دست‌پیش تحولات پس از حملهٔ آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل و جنگ پس از هفتم اکتبر را بخشی از تغییر موازنهٔ قدرت می‌داند و می‌گوید اسرائیل از نظر اقتصادی، فناوری، نظامی و سیاسی تقویت شده و ایران در معرض انزواست.

بقای نظام یا تضعیف نفوذ ایران؟

علی معموری این ارزیابی را رد می‌کند و می‌گوید طرح بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، برای تضعیف کشورهای منطقه، عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل و کنار زدن مسئله فلسطین به نتیجه موردنظر نرسیده است. او به ادامه فعالیت حماس، باقی ماندن حزب‌الله و توان حوثی‌ها در باب‌المندب اشاره می‌کند و توافق ترامپ با حوثی‌ها در مسقط را نشانه‌ای می‌داند از این‌که نمی‌توان این نیروها را صرفاً با حملات نظامی حذف کرد.

آقای معموری می‌پرسد کدام یک از اهداف جنگ، از جمله تغییر نظام سیاسی ایران و نابودی توان هسته‌ای و موشکی آن، تحقق یافته است؟ به گفته او، جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست، مسئله هسته‌ای در مذاکرات مطرح است و روابط سیاسی ایران با همسایگان، برخلاف دوره پس از حمله به سفارت عربستان، به طور کامل قطع نشده است.

آقای دست‌پیش پاسخ می‌دهد که بقای نظام لزوماً به معنای حفظ قدرت نیست. او معتقد است انسجام ساختار جمهوری اسلامی کاهش یافته، اقتصاد ایران منزوی شده و محور مقاومت نتوانسته که مانع حمله به ایران شود. به گفته این تحلیلگر، آمریکا بیش از گذشته از منظر ژئواکونومیک به خاورمیانه نگاه می‌کند و در رقابت با چین، به مسیرهای تجاری و منابع اقتصادی منطقه اهمیت می‌دهد. او همچنین می‌گوید دیگر نمی‌توان از الگویی سخن گفت که در آن دستورهای تهران در چند پایتخت اجرا می‌شد؛ رقابت گروه‌های شیعه نزدیک به ایران با جریان‌های مدافع دولت مدنی در عراق، از نظر او، نشانه محدود شدن نفوذ تهران است.

نفوذ ایران و موضع کشورهای عربی

علی معموری در پاسخ به جایگاه گروه‌های نزدیک به ایران در ساختار سیاسی عراق، طرح مربوط به حشد الشعبی و انتصاب لیث خزعلی، از رهبران ارشد عصائب اهل‌الحق، به معاونت نخست‌وزیری اشاره می‌کند و این تحولات را ناسازگار با ادعای فروپاشی نفوذ ایران می‌داند.

دست‌پیش در عین حال می‌گوید رویکرد کشورهای عربی یکسان نیست: امارات و بحرین به سمت تقابل با ایران رفته‌اند، قطر میانجی‌گری می‌کند و عربستان با احتیاط رفتار می‌کند؛ زیرا فروپاشی جمهوری اسلامی ممکن است قدرت اسرائیل را افزایش دهد. معموری نیز تأکید می‌کند کشورهای عربی صرفاً تابع واشینگتن نیستند و روابط خود با چین، روسیه، پاکستان و ترکیه را گسترش می‌دهند.

آقای معموری با استناد به گزارش‌هایی از نیویورک تایمز، واشینگتن پست و فرماندهی مرکزی آمریکا مدعی می‌شود که ۸۱ هواپیمای آمریکایی از بین رفته و ۱۴ پایگاه خسارت دیده‌اند. او تنگه هرمز و امکان اثرگذاری بر باب‌المنندب را اهرم فشار ایران و متحدانش می‌داند و معتقد است ترامپ با ادامه جنگ، با افزایش هزینه‌های درگیری روبه‌روست.

هزینه مقاومت برای مردم

دست‌پیش این برداشت از قدرت ایران را نمی‌پذیرد و می‌گوید بقای حکومت به‌تنهایی نشانه موفقیت در حکمرانی نیست. او ساختار جمهوری اسلامی را مجموعه‌ای از الیگارشی‌ها می‌داند و معتقد است که دولت باید امنیت، رفاه و فرصت اقتصادی را در اولویت بگذارد، نه این‌که سیاست خارجی را بر ایدئولوژی مقاومت استوار کند. این تحلیلگر، به محدودیت آزادی‌های اجتماعی و وضعیت زنان اشاره می‌کند و می‌گوید مردم خواهان زندگی عادی‌اند.

علی معموری پاسخ می‌دهد که چنین تعریفی از رفتار متعارف ممکن است به عقب‌نشینی در برابر قدرت‌های بزرگ بینجامد. او با اشاره به اشغال ایران در دوره رضاشاه و کنار گذاشته شدن محمدرضاشاه از سوی آمریکا، می‌گوید رهبران جمهوری اسلامی به‌دلایل تاریخی به واشینگتن اعتماد ندارند.

آقای معموری اشتباهاتی چون حمله به سفارت عربستان را می‌پذیرد، اما یادآوری می‌کند که ایران برای همکاری با آمریکا در جریان جنگ‌های عراق و افغانستان تلاش کرد و پس از سقوط بغداد، دولت جورج بوش ایران را در «محور شرارت» قرار داد.

دست‌پیش در پایان بر هزینه سیاست‌های جمهوری اسلامی برای مردم تأکید می‌کند و می‌پرسد آیا آقای معموری رنج آن‌ها را درک می‌کند و چرا باید اهداف منطقه‌ای و ایدئولوژیک چنین هزینه‌ای داشته باشد.

آقای معموری می‌گوید از مشکلات مردم آگاه است، اما نمی‌خواهد ایران به سرنوشت عراق پس از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ دچار شود.

این مطلب بخشی از:

پاراگراف اول

فراتر از خبر

بایگانی

ایران

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وبسایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.